

کپرنشینی یا کپرزدایی؟ مطالعه مردم‌شناختی کپرنشینان شهرستان عنبرآباد (جیرفت)

جلال‌الدین رفیع‌فر^{۱*} و ساجده میراحمدی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

چکیده:

در حال حاضر یکی از الگوهای مسکن روستایی در شهرستان عنبرآباد، کپرنشینی است. این نوع مسکن حاصل سال‌ها و شاید قرن‌ها اندوخته فرهنگی است که با بهره‌برداری از منابع محلی و فناوری کاملاً بومی ساخته و استفاده می‌شود. از ویژگی‌های این نوع مسکن، انطباق آن با اقلیم و نوع اقتصاد مسلط منطقه است. امروزه با تغییر و تحولات صورت گرفته در مسکن روستایی و ایجاد امکانات جدید، شناسایی و درک درست از مسکن روستایی منطبق با محیط و نیازهای فرهنگی متنوع ساکنان آن برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای، چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین منظور در مطالعه حاضر به الگوهای مسکن روستایی شهرستان عنبرآباد، به عنوان نمونه‌ای بومی از این نوع مسکن، که در بسیاری از روستاهای سرتاسر منطقه جنوب شرق ایران همچنان پایدار و رایج است، پرداخته شده است. روش تحقیق از نوع مردم‌نگاری است که با بهره‌گیری از فنون، مشاهده، مشارکت و مصاحبه انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد این نوع مسکن به عنوان سکونتگاهی که با شرایط ویژه اقلیمی، نظام اقتصادی (کشاورزی و دام‌پروری) و با امکانات موجود در منطقه سازگار است، توانسته با اندک تغییراتی، استمرار خود را حفظ کند. حذف یا ایجاد تغییرات بنیادی در این نوع سکونتگاه به تغییر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این جامعه نیازمند است. ایجاد هرگونه تغییری در کوتاه‌مدت، بدون انجام مطالعات تکمیلی توصیه نمی‌شود و نتیجه آن می‌تواند به فروپاشی و در نهایت مهاجرت ساکنان به شهرها منجر شود.

کلیدواژه‌ها: کپرزدایی، کپرنشینی، مسکن روستایی، عنبرآباد.

۱. استاد گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). jrafifar@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. mirahmadi@gmail.com

مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی است.

مقدمه و طرح مسئله

طرح بهسازی مسکن روستایی که از آن به عنوان طرح کپزدایی نام برده می‌شود، از سال ۱۳۸۴ در استان کرمان شروع و حدود ۴۵۰۰۰ واحد مسکونی برای روستاییان ساخته شد که بیش‌ترین تعداد آن در عنبرآباد، در جنوب شهرستان جیرفت، ساخته شده است. هزینه ساخت این خانه‌ها به صورت وام با بهره ۵ درصد و به میزان دوازده و نیم میلیون تومان به هر یک از اهالی صاحب زمین، پرداخت شد. خانه‌ها عمدتاً با مساحت بسیار کم (حدود ۱۷ تا ۱۸ متر مربع)، متشکل از یک اتاق حدود ۱۲ متری بانضمام یک آشپزخانه ۶ متری، ساخته شده‌اند. بر پایه این واقعیت که مسکن روستایی در هماهنگی با شرایط اقلیمی و معیشت مردم بوده و ساخت‌وسازهای جدید عمدتاً از الگوهای شهری تأثیر پذیرفته‌اند و نیز با توجه به اتفاقاتی که پس از انجام آن در محل رویداده، اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی با پرسش‌های جدی روبرو بوده است: آیا این خانه‌های جدید با شرایط محیطی و نیازهای اقتصادی و سبک زندگی روستاییان سازگاری دارند؟ اگر دارند به چه میزان؟ چرا با وجود ساخت خانه‌های جدید، مردم منطقه هنوز زندگی در کپر را رها نکرده‌اند؟ آیا نیاز اصلی روستاییان خانه‌های جدید است و یا نیازهای دیگری هم دارند که بدون رفع آن‌ها، پذیرش این نوآوری برایشان براحتی مقدور نیست؟ بالأخره موانع فرهنگی-اجتماعی برای پذیرش این نوآوری در جامعه مورد مطالعه کدامند.

مسکن روستایی حاصل سال‌ها تجربه و با پیروی از سبک زندگی مردم روستایی شکل گرفته است. در منطقه مورد مطالعه، مسکن روستایی در مقایسه با مسکن موجود در شهر، علاوه بر محل سکونت، می‌تواند مهم‌ترین کانون تولید ثروت و ارزش افزوده اقتصادی در بخش کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی نیز باشد. این مسکن کارکرد دوگانه اشتغال همراه با سکونت را برای روستاییان فراهم می‌کند. از طرفی این مسکن متناسب با سنت دیرینه زندگی روستاییان، وضعیت اقتصادی افراد و شرایط اقلیمی محیط روستاست. مسکن روستایی مورد مطالعه در تحقیق حاضر، کپر^۱ نام دارد. کپر با وجود قدمت زیادش، هنوز به صورت قابل توجهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با توجه به آب و هوای شهرستان عنبرآباد، وضعیت اقتصادی و شغلی افراد، کپر، از دیرباز نماد مسکن سنتی منطقه شده است. عده‌ای از اهالی کپر را نشانه محرومیت و فقر اقتصادی می‌دانند، این افراد معتقدند که کپر با محرومیت شروع و بعدها به نوعی عادت و

مسکنی برای گذراندن زندگی تبدیل شده است. عده دیگری هم بر این باورند که کپر در تناسب با وضعیت اقلیمی و همچنین اقتصاد منطقه به وجود آمده است. هوای گرم و شرجی و نبودن برق و کولر در گذشته، مردم را به استفاده از خانه‌ای سوق داده که آنان را در برابر گرما محافظت و با ریختن آب بر روی آن، هوای خنک و دلچسبی را برای آن‌ها فراهم می‌کند. عده‌ای دیگر استفاده از کپر را در تناسب با شغل خود می‌دانند. زمانی که برای کشاورزی خود ناچارند از مکانی به مکان دیگر کوچ کنند، به ساخت کپر روی آورده‌اند. همه این عوامل زمینه کپرنشینی در منطقه را فراهم کرده است. این ویژگی‌ها دست در دست هم دادند تا کپر، به نماد زندگی مردم جنوب کرمان تبدیل شود. خانه‌هایی که از شاخ و برگ درخت نخل ساخته می‌شوند و مهم‌ترین ویژگی آن، مواد به کار رفته در ساخت آن است که بخش اعظم آن از درختی است که به وفور در منطقه یافت می‌شود. در حال حاضر، با وجود ساخت خانه‌های جدید، کپر همچنان حضور پررنگ خود را در منطقه حفظ کرده است. امروزه برای هرگونه تغییر در ساخت خانه‌های جدید در قالب طرح بهسازی مسکن روستایی، شناسایی و درک درست از مسکن سنتی روستایی، که حاصل سال‌ها اندوخته‌های تجربی و فرهنگی است، بسیار ضروری است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ساختار کپرنشینی در قالب الگوی پایدار مسکن روستایی با توجه به طرح بهسازی مسکن است. بررسی میزان تطبیق با وضعیت اقتصادی، کارکردی، خویشاوندی، اقلیمی و شیوه زندگی روستاییان و همچنین بررسی میزان تطبیق و ارتباط خانه‌های جدید با عوامل فوق‌الذکر از اهداف دیگر این پژوهش است.



تصویر ۱) مسکن جدید، روستای کوشک و مور (عکاس: س. میراحمدی، ۱۳۹۵)

معرفی اجمالی ناحیه مورد مطالعه

خانه‌های کپری چند روستای شهرستان عنبرآباد (کوشک و مور، چاهک، باقرآباد و کنار سندل) واقع در جنوب شهرستان جیرفت موضوع مطالعه این تحقیق است. در این روستاها

فرهنگ و تکنولوژی ساخت مسکن، کمتر دچار تغییر و دگرگونی شده است. انواع خانه‌های سنتی در این منطقه به وفور وجود دارند که با نام‌های: توپ، کاوار، کتوک، کتوک، آدوریند در منطقه قابل شناسایی‌اند.

پیشینه تحقیق

چنین به نظر می‌رسد، مطالعات زیادی درباره مسکن روستایی در این منطقه، انجام نشده است. جانب‌الهی در سال ۱۳۷۵ مقاله‌ای تحت عنوان مسکن سنتی بلوچ به چاپ رسانده که در آن بیشتر به روش ساخت انواع مسکن سنتی پرداخته شده است. در این مقاله خانه‌هایی چون کاپار، لوگ، کرگین، چارکی، کد، توپ، خانگ پیشی، گدام، سراد و قلعه مطالعه شده‌اند. در این مقاله اشاراتی هم به رابطه خویشاوندی و باورها نیز شده است. رضایی نیز در پایان‌نامه ارشد (۱۳۸۴) خود علاوه بر انواع خانه‌های سنتی و تکنولوژی ساخت آن‌ها، خوراک و پوشاک اهالی روستای سرتک، از توابع شهرستان کهنوج را مطالعه کرده است. سرتیپی در دو مقاله، نتیجه مطالعاتش درباره اقتصاد مسکن روستایی و آسیب‌شناسی معماری روستایی و چگونگی حرکت آن به سوی سکونتگاه مطلوب را به تفصیل شرح داده است (سرتیپی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۸۸). او بر این عقیده است که مسکن سنتی اصالت دارد، ثابت بوده و متناسب با معیشت مردم و اقتصاد آنان ایجاد شده است. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی الگوی جدید مسکن روستایی از منظر توسعه پایدار در دهستان شوسف نهبندان به آسیب‌شناسی مسکن جدید و هم چنین مسکن سنتی روستاهای منطقه پرداخته‌اند. محققان در این مطالعه به معایب، ناهنجاری کالبدی و فیزیکی، دگرگونی کارکردی مسکن، سایش زمینه‌های رشد اقتصاد، چالش انرژی و دست‌اندازی به طبیعت و تخریب آن، بر هم زدن فضای اجتماعی- فرهنگی که مسکن جدید باعث آن شده اشاره دارند. کلانتری و همکاران (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای به بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان پرداخته‌اند. مهدیان و سرتیپی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم‌انداز آتی آن، به بررسی پیامدهای بهسازی مسکن روستایی بدون توجه به ساختارها و فرهنگ‌های بومی پرداخته‌اند. رحمتی (۱۳۷۴) نیز در مقاله‌ای تحول الگوی مسکن روستایی را با توجه به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن بررسی کرده است.

چارچوب مفهومی

همه جوامع در هر زمان با مشکلات و تنگناهای مخصوص به خود دست به گریبانند. گاهی شرایط اقتصادی - اقلیمی و در مواردی هم تحولات اجتماعی - فرهنگی، اهالی را به طرف تغییر و نوآوری سوق می‌دهد و گاهی هم آنان را به حفظ وضع موجود وا می‌دارد. با این که همیشه نیرویی مشوق نوآوری در تلاش است جایی برای خود باز کند، الزاماً این امکان در همه جا و در هر شرایطی به وجود نمی‌آید (رفیع فر، ۱۳۷۵). از آنجایی که این پژوهش با رویکرد مردم‌شناختی به انجام رسیده، لذا چارچوب نظری به معنای رایج آن مد نظر نیست، هرچند سعی شده از دیدگاه و رویکرد ج. فاستر (۱۳۷۹) در مورد پیش‌زمینه‌های گرایش و موانع پذیرش تغییرات فرهنگی - اجتماعی در جوامع سنتی (روستایی بخصوص) بطور کلی و مسکن بطور خاص استفاده شود، به عبارتی با استفاده از این رویکرد تلاش شده است این موضوع مطالعه شود که چرا به‌رغم امکان ساخت خانه‌های جدید، اهالی مورد مطالعه همچنان به استفاده از خانه‌های سنتی (کپر) علاقه‌مندند.

روش تحقیق

این پژوهش با روش مردم‌نگاری و با بهره‌گیری از فنون مشاهده، مشارکت و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و گروهی با رویکرد اکتشافی از تجارب روستاییان و بومیان محلی به انجام رسیده است. در انتخاب روستاهای مورد پژوهش سعی شده به روستاهایی مراجعه شود که به‌رغم اینکه از طرح بهسازی مسکن استفاده کرده و خانه جدید دارند، در عین حال همچنان از کپر هم استفاده می‌کنند. حجم نمونه انتخابی تا رسیدن به اشباع نظری ۱۰۰ خانوار از کل روستاها بود. اطلاعات اولیه مورد نظر در روستاهای گرم، چاهک، زاخت و کوشک و مور، جمع‌آوری شد. از پرسشنامه برای تکمیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. این پژوهش در دو نوبت و در محدوده زمانی بهار و تابستان ۹۴ و بهار و تابستان ۹۵ به انجام رسیده است. در مصاحبه‌ها موضوع را باز گذاشتیم تا امکان گردآوری همه نوع داده‌ای را داشته باشیم و به درک شهودی بهتری از آنچه در زندگی ساکنان رخ می‌دهد، دست یابیم. در اولین مرحله، که برای شناسایی بافت فرهنگی و جمع‌آوری اطلاعات بصری و بالأخره آشنایی با اهالی به صورت قدم‌زنی انجام شد، موفق شدیم به اطلاعات کلی درباره این روستاها و سبک زندگی ساکنان دست یابیم. همچنین به مطلعان، برای گردآوری اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر از طریق مصاحبه‌های عمیق دست یافتیم. برای دسترسی به اطلاعات مربوط به فنون ساخت

مسکن از مصاحبه گروهی استفاده شده است. در این قسمت با استفاده از روش «پانویس» (فیلیک، ۱۳۹۱-۲۱۲) با هفت نفر از اهالی روستا که مردان با تجربه‌ای بودند به مدت حدود پنج ساعت به گفتگو پرداختیم و موفق شدیم مطالب مورد نیاز را استخراج کنیم. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا پاسخ‌ها دسته‌بندی شدند، سپس کار کدبندی انجام گرفت و پاسخ‌های مربوط به هر سؤال با بهره‌گیری از نرم‌افزار اکسل و نمودارها استخراج شد، نمودارها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، متن به دست آمده یک‌بار دیگر برای اطمینان از صحت آن به مصاحبه‌شوندگان بازگردانده و از آن‌ها خواسته شد، تغییرات لازم را اعلام کنند، سپس با مرور دوباره متن‌های اصلاح‌شده کار تجزیه و تحلیل انجام شد.

تعریف و نوع‌شناسی

تعریف کپر: کپر در فرهنگ معین خانه‌ای است که از نی و حصیر ساخته می‌شود و به آن کومه و آلونک هم گفته می‌شود (۲۸۹۶:۱۳۷۱). شکل ظاهری آن مدور است و معمولاً از شاخه درخت خرما ساخته می‌شود. کپر‌ها از ساختمان‌ها و چادرها خنک‌ترند و تحمل گرمای شدید را آسان‌تر می‌کنند. کپر در اصطلاح رایج، نام گونه‌ای اقامتگاه سایبانی در جنوب شرقی ایران و از جمله مناطق گرم در غرب استان هرمزگان است.

قلمرو جغرافیایی آن، نواحی گرم و مرطوب است. این نوع مسکن خاص روستاییان منطقه است که برای استراحت روزانه خود، کپر می‌ساختند. آن‌هایی که در فصل تابستان و گرما به سمت رودخانه رفته و در نخلستان‌های خود، در زمان برداشت نخل، اقامت داشتند، برای نشستن در سایه، به عنوان سایه‌بان ظرف آب و برای مطبخ و همچنین در کنار زمین‌های کشاورزی خود، کپر می‌ساختند. ساخت کپر و بناهای حصیری، علاوه بر سهولت دسترسی به برگ و شاخه درخت خرما، از عوامل دیگری هم متأثر است که می‌توان، به کم‌هزینه بودن، کوتامدت بودن زمان ساخت آن و نیز سازگاری بیشتر آن با محیط اشاره داشت.



تصویر ۲) کپر (کتوک)، روستای کوشک و مور: (عکس: س. میراحمدی، ۱۳۹۴)



تصویر ۳) کپر (توپ چوبی)، روستای کوشک و مور (عکس: س. میراحمدی، ۱۳۹۵)

ابعاد و اندازه‌های کپر: خانه‌های کپری فضاهایی مدور، مربع و یا مستطیلی شکل‌اند که عرض و طول آن‌ها، به مواد اولیه و کاربری آن بستگی دارد. اگر از کپر برای سکونت درازمدت استفاده کنند، اندازه آن بزرگ‌تر و اگر برای آشپزخانه و خواب باشد، کوچک‌تر است. عرض کپر معمولاً بین ۲/۵ تا ۳ متر است و طول آن به ۵ تا ۶ متر می‌رسد. البته این اندازه‌ها بر حسب نیاز افراد قابل تغییر است.

تقسیم کار و چگونگی ساخت کپر: کارهای اساسی از قبیل حفر گودال برای کارگذاشتن ستون و پایه‌های کپر، بستن شاخ‌ها و چیلک به ستون، پوشش دادن طول و عرض کپر با مهر، وصل و محکم کردن شاخ‌های طولی کپر، هم‌تراز کردن سقف کپر و تکمیل ساختار کپر به عهده مردان و پوشاندن طول و عرض کپر با حصیر و پوشش سقف، ساخت درب ورودی و نصب آن، فرش کردن و تزیین، نیز بر عهده زنان است.

مکان برپایی کپر: در گذشته کپر نماد کوچندگی بوده است و افراد بر اساس مقتضیات زندگی و برطرف کردن نیازهای خود، مجبور به کوچ بودند، ولی در زمان حال، کپر با اندک تغییری در ساخت و تجهیزات آن به مسکنی ثابت هم تبدیل شده است. کپر مکان مشخصی ندارد و هر جا که لازم و مناسب باشد، برپا شده استفاده می‌شود.

شرایط مکان کپر: صاف و مسطح بودن سطح زمین، در معرض وزش شدید باد و تابش نور آفتاب نبودن، نزدیکی به محل فعالیت‌های کشاورزی و دام‌پروری ساکنان، نزدیکی به محل زندگی خویشاوندان، در معرض سیل و باران‌های سیل‌آسا نبودن از شرایط مکان ساخت کپر است.

زمان ساخت و برپایی کپر: افرادی که از کپر برای سکونت دائم خود استفاده می‌کنند، ساختن کپر برای آن‌ها زمان‌بندی ندارد و در صورت لزوم آن را بنا می‌کنند؛ اما افرادی که در کنار زمین‌های کشاورزی به عنوان مسکن موقت از آن استفاده می‌کنند، اوایل پاییز و قبل از شروع زمستان، به برپایی آن اقدام می‌کنند. بیکاری فصلی در اواخر تابستان و پاییز قبل از شروع زمستان، بهترین زمان ساخت کپر، برای کشاورزان است.

جهت قرار گرفتن کپر: ابتدا سعی می‌شود درب کپر به سمت شرق یا غرب باشد، چرا که از قسمت جنوب باد می‌وزد و به این دلیل، درب کپر را از قسمت طولی کپر درست می‌کنند. اینکه درب به سمت شرق یا غرب باشد، به بقیه سکونت‌گاه‌ها و دیگر اجزای سکونت‌گاهی بستگی دارد.

کارکرد کپر

۱. استفاده از کپر به عنوان آشپزخانه: کسانی که توانایی مالی کمتری دارند و فقط توان ساخت یک خانه را داشته‌اند، از کپر به عنوان آشپزخانه که هزینه کمتری دارد، استفاده می‌کنند. کارکرد دیگری که آشپزخانه کپری دارد، محل نگهداری آذوقه و مکان مناسبی برای پختن غذاهای سنتی است که با آتش تهیه می‌شوند. مکان آتش که کدوم^۱ نام دارد، در وسط کپر قرار دارد. وقتی اتاق خانه را در اختیار مهمان قرار می‌دهند، کپر به عنوان اتاق خواب صاحب منزل نیز استفاده می‌شود.

۲. استفاده از خانه‌های جدید به عنوان اتاق پذیرایی و استفاده از کپر به عنوان اطاق نشیمن: افرادی که در درون کپر احساس راحتی تری دارند، اتاق‌های ساخته‌شده را قفل کرده و از کپر برای نشیمن روزانه استفاده می‌کنند. اتاق فقط مخصوص مهمان است.
۳. استفاده از کپر به عنوان انبار: از کپر به عنوان انبار محصولات کشاورزی، وسایل کهنه، علوفه دام و نگهداری دام استفاده می‌شود.
۴. استفاده از کپر به عنوان سایبان: از کپر به عنوان سایبان تانکر آب، موتور و ماشین و وسایلی که در بیرون منزل قرار دارند، استفاده می‌شود.
۵. استفاده به عنوان مکان خواب: در تابستان از کپر برای خوابیدن بر روی سقف یا درون آن استفاده می‌کنند. کپری که روستاییان برای خواب تابستانی در نظر می‌گیرند، گمو، کاوار یا آدریند نام دارند. این مکان خواب بیشتر مورد استفاده والدین است. افرادی که گوسفند دارند نیز برای محافظت از گوسفندان خود بر روی سقف آن می‌خوابند.
۶. استفاده از کپر به عنوان مسکن موقت کشاورزان: این خانه‌ها برای افرادی که زمین‌های کشاورزی‌شان، فاصله زیادی تا منزل دارد، مناسب است. افرادی که از شهرهای دیگر برای کار یا کشاورزی به این منطقه مهاجرت می‌کنند، برای مدت چند هفته یا چند ماه برای سکونت خود از کپر استفاده می‌کنند.
۷. استفاده از کپر و رابطه آن با فقر اقتصادی: بسیاری از افراد جنوب کرمان به علت درآمد اندک، قادر به ساخت خانه نیستند و از کپر که هزینه کمتری دارد، به عنوان سکونتگاه استفاده می‌کنند.

تکنولوژی ساخت و مواد اولیه:

۱. چوب: برای ساختن خانه‌های کپری از چوب که در اصطلاح محلی (چو)^۱ نام دارد، استفاده زیادی می‌شود و معمولاً در ابتدای ساخت کپر، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. از جمله چوب‌هایی که استفاده می‌کنند: چوب درخت نخل وحشی (داز)، کهور، گز و گنار است. از چوب درخت گز و کنار، برای اسکلت اصلی کپر استفاده می‌شود، زیرا استقامت بیشتری دارد. همچنین برای ستونی که برای ایستایی کپر در وسط آن قرار می‌دهند، از این نوع چوب‌ها استفاده می‌شود. چوب درخت کهور در هوای گرم و گز، استحکام و دوام زیادی دارد و کمتر دچار پوسیدگی می‌شود.

1. choo

۲. پیش^۱: پیش به چوب درخت خرما که هنوز برگ‌های آن را جدا نکرده‌اند، گفته می‌شود. از پیش، برای درست کردن مهره، که بر دیواره کپر قرار می‌دهند و برای بافتن حصیر و درست کردن چیلک، استفاده می‌شود. همچنین بعضی از افراد برای پوشش سقف انواع خانه‌ها و نیز قسمت‌های عرضی و طولی کپر نیز استفاده می‌کنند.



تصویر ۴) کپر (پیش) روستای کوشک و مور: (عکس از س. میراحمدی، ۱۳۹۴)

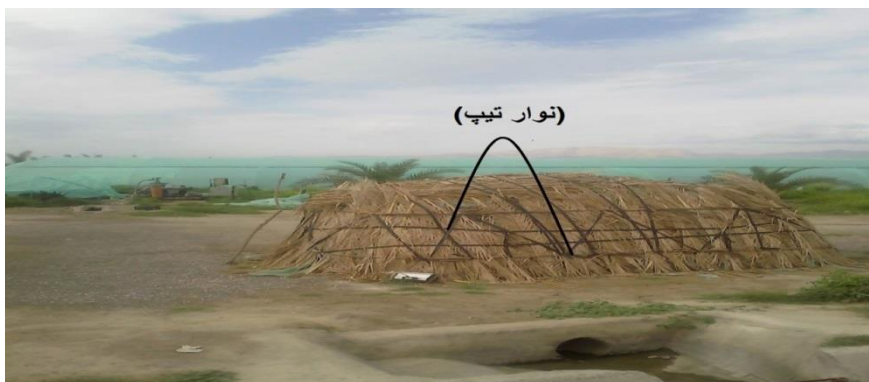
۳. کُل^۲: کُل بوته‌ای است که در آب و به خصوص در رودخانه‌ها سبز می‌شود. برای استفاده کُل آن را ابتدا بریده و به مدت ده تا پانزده روز در زیر آفتاب گرم تابستان خشک کرده و سپس آن‌ها را دسته دسته می‌کنند که به این دسته‌ها، تنگه می‌گویند. هر تنگه کُل شش تا هفت کیلو وزن دارد. البته بسیاری از افراد به کُل، دسترسی نداشته و از مواد دیگری که به آن کرته می‌گویند و دسترسی به آن آسان‌تر است، استفاده می‌کنند. کرته هم مانند کُل برای پوشش دیواره کپر استفاده می‌شود.



تصویر ۵) کپر (کُل)، روستای کوشک و مور: (عکس از س. میراحمدی، ۱۳۹۴)

1. pish
2. kol

۴. پلاستیک: در کپرهای دائم از پلاستیک برای بستن چوب‌ها و پوشش سقف و نیز در کپرهای موقت برای جلوگیری از سرما و باران استفاده می‌شود.
۵. نوار تیپ: از این نوار، برای ساخت کپر نیز استفاده می‌شود. این نوار به صورت طناب، برای بستن اجزای کپر مورد استفاده قرار می‌گیرد.



تصویر ۶) کُتوک (نوار تیپ)، روستای باقرآباد: (عکس از س. میراحمدی، ۱۳۹۴)

۶. خار شتر یا خار خانه: گیاهی است که به صورت خودرو در بیابان‌ها می‌روید. در تابستان بمانند پوشال کولر عمل می‌کند و باعث خنک شدن داخل کپر می‌شود. به این نوع کپر، خار خانه هم می‌گویند.



تصویر ۷) کُتوک (خار شتر)، روستای باقرآباد: (عکس از س. میراحمدی، ۱۳۹۴)

۷. حصیر: حصیر غالباً به عنوان زیرانداز استفاده می‌شود. مواد اولیه آن از گیاهی به نام کلی^۱، که در کنار رودخانه هلیل یافت می‌شود، و برگ درخت خرما تهیه می‌شود. زمانی که صرف بافتن هر حصیر می‌شود، به طور متوسط دو هفته است. در هر خانه کپری متوسط، ۴ حصیر

1. keli

برای سقف آن و دو حصیر برای کف آن به کار می‌رود. مواد لازم برای بافتن حصیر توسط بزرگسالان و خردسالان آماده می‌شود و بافت حصیر، توسط زنان و دختران صورت می‌گیرد. ۸. مهره^۱: مهره یا از برگ درخت خرما و یا از شاخ ساخته می‌شود، بدین صورت که چند برگ را کنار هم قرار می‌دهند، آن‌ها را روی زمین پهن کرده و با چیلک محکم به هم می‌بندند. مهره را بر روی دیواره کپر قرار می‌دهند، تا باعث استقامت کپر شده و از ورود حیوانات خانگی جلوگیری کند. مهره، عمر کپر را افزایش داده و عنصری اساسی در ساخت کپر است.



تصویر ۸) مهره، روستای چاهک: ۱۳۹۴

۹. چیلک^۲: چیلک نام نوعی طناب است که از شاخ و برگ خرما بافته می‌شود. چیلک دو نوع دارد، یک نوع از برگ درخت خرما، که در اصطلاح محلی به آن پیش گفته می‌شود، نوع دیگر آن از لیف خرماست که در زبان محلی به آن، سیس گفته می‌شود. نوع دیگر از پیزگ^۳ است، بوته‌ای که در آب، لب چشمه‌ها و رودخانه می‌روید و بلندی آن به حداکثر به یک متر می‌رسد. چیلک طنابی است که از آن برای بستن شاخه‌های درخت خرما و یا اجزای کپر استفاده می‌شود. چیلک بسیار سفت و محکم است و باعث می‌شود استقامت کپر زیاد شود. بافت چیلک توسط زنان و دختران صورت می‌گیرد.

1. mahre
2. tjilak
3. pizag



تصویر ۹) چیلک، روستای چاهک: ۱۳۹۴

۱۰. پارچه: از مقداری پارچه برای درب کپر، استفاده می‌کنند.
۱۱. سنگ و سیمان: از آنها برای کپرهای سنگی مثل توپ و کنتوک استفاده می‌کنند.
۱۲. کرته^۱: مانند خار شتر و کل، گیاه خودرویی است که در مناطق اطراف می‌روید. از این گیاه، برای دیواره کپر استفاده می‌کنند؛ مانند خار شتر، باعث خنک شدن کپر می‌شود. دسترسی به آن برای افراد آسان است؛ اما این گیاه نسبت به خار شتر و کل، استقامت کمتری دارد و زودتر از بین می‌رود. خطری که در استفاده از کرته مردم را تهدید می‌کند، آتش گرفتن فوری آن است.



تصویر ۱۰) کپر (کرته)، روستای کوشک و مور: ۱۳۹۴

۱۳. خشت: از خشت برای درست کردن دیواره کنتوک خشتی، استفاده می‌کنند. خشت در خود روستا وجود دارد. خاک کنار جوی آب مخصوص درست کردن خشت است.

1. kerte

۱۴. کاه‌گل: از کاه برای ساخت کتوک خشتی، استفاده می‌شود. افراد روستا کاه لازم را از مزارع گندم، تهیه می‌کنند و معمولاً پولی را بابت آن پرداخت نمی‌کنند. از کاه‌گل برای پوشش دیواره خشتی بهره می‌برند و با آن، بام خانه را گل‌اندود می‌کنند.

۱۵. شاک:^۱ به چوب درخت خرما که برگ‌های آن را جدا کرده‌اند، در اصطلاح محلی شاک می‌گویند.

انواع کپر

کپرهایی که در منطقه عنبرآباد وجود دارد، با دو هدف ساخته می‌شوند:

۱. کپرهایی که افراد روستا برای سکونت دائم می‌سازند.
۲. کپرهایی که برای سکونت موقت، در کنار زمین‌های کشاورزی، ساخته می‌شود.

مسکن سستی (کپر ثابت)

کپرهایی که می‌خواهیم به معرفی آن‌ها بپردازیم، خانه‌هایی‌اند که مردم در روستا برای سکونت دائم خود می‌سازند. شامل کتوک، توپ، کتوک، کاوار، گمو و آدربند. این خانه‌ها هر کدام ساختار و کارکرد متفاوتی دارند و حتی روش و هزینه ساخت آن‌ها متفاوت است.

توپ^۲

توپ به صورت دایره‌شکل ساخته می‌شود، در منطقه عنبرآباد به ندرت کاربرد دارد و بیشتر در مناطق کهنوج، قلعه گنج و مناطقی از بلوچستان دیده می‌شود. کاربرد اندک آن به این خاطر است که در شهرستان‌های کهنوج و قلعه گنج، هوا نسبت به روستاهای جیرفت، گرم‌تر است و افراد از این توپ‌های دایره‌ای‌شکل، بیشتر استفاده می‌کنند. این نوع خانه‌ها چون سقف گنبدی شکل دارند، هوای داخل آن‌ها در فصل تابستان خنک‌تر می‌شود. از آنجایی که در منطقه عنبرآباد، هوا خنک‌تر است، افراد بیشتر کتوک می‌سازند. توپ ترکیب و ساختار خاصی دارد، از لحاظ شکل مانند کپر است، یعنی مرحله‌ای که برای ساخت کپر طی می‌شود، برای توپ نیز اجرا می‌شود. از طرفی تفاوت‌هایی نیز با کپر داشته و ساختار پیچیده‌تری دارد. توپ نسبت

1. shak
2. towop

به کپره‌های دیگر، هزینه ساخت بیشتری دارد و توسط افراد ماهر و متخصص ساخته می‌شود، زمان ساخت آن نسبت به کپره‌های معمولی بیشتر است.

در گذشته افراد ثروتمند، توپ می‌ساختند، زیرا توپ، نمای ظاهری زیباتر و ساختار پیچیده‌تری دارد. سقف توپ در مقابل آب باران غیر قابل نفوذ است، چراکه از دو لایه تشکیل شده است: حصیر که بر روی اسکلت توپ قرار می‌گیرد و برگ درخت خرما که مسکن را می‌پوشاند. این نوع مسکن ارزش مبادله‌ای بیشتری نسبت به کپره‌های دیگر دارد، به طوری که برای ساخت کپره‌های دیگر ۲۰۰ هزار تومان کفایت می‌کند، ولی برای ساخت توپ چوبی ۴۰۰ و برای ساخت توپ خشتی یا بلوکی ۷۰۰ هزار تومان هزینه می‌کنند. در قسمت مرکزی ارتفاع آن، بین ۳ تا ۵ متر است. ساخت توپ به دو هفته تا یک ماه زمان نیاز دارد. با همیاری اهالی ساخته می‌شود و صاحب‌خانه فقط غذا می‌دهد.



تصویر ۱۱) کپر (توپ سنگی)، کوشک و مور، ۱۳۹۴؛ کپر (توپ چوبی)، کوشک و مور: ۱۳۹۴

کاوار^۱

کاوار ابتدایی‌ترین مسکن سنتی است. بیشتر سرپناه است تا خانه. از گونه‌های متداول منطقه است که به صورت مختلف استفاده می‌شود. کاوار نسبت به کتوک، توپ و کتوک، کمتر کارکرد مسکونی داشته و به عنوان اتاق نشیمن از آن استفاده می‌شود. کاوار از کپرهایی است که آن را در کنار کپره‌های دائم در روستا و در کنار کپرهایی که مهاجران فصلی می‌سازند، می‌توان مشاهده کرد.

کارکرد کاوار:

۱. به عنوان آشپزخانه استفاده می‌شود.

1. kavar

۲. به عنوان سایه بان وسایل خانه، محصولات کشاورزی و حتی سایه بان مخزن آب، استفاده می شود.

۳. در شب های تابستان و پاییز که هوا گرم است به عنوان محل خواب استفاده می شود. چون با استفاده از چوب درخت کنار و کهور که محکم است، دیواره آن را می سازند، استقامت زیادی دارد و در هنگام خوابیدن، وزن افراد را تحمل می کند.

اگر بخواهند از کاوار به عنوان مسکن روزانه استفاده کنند، کارهایی را انجام می دهند، از جمله اینکه: سر تا سر کاوار را با مهره می پوشانند، کف کاوار را حصیر می گذارند و آن را تزیین می کنند.



تصویر ۱۲) کپر (کاوار)، روستای باقرآباد: ۱۳۹۴

کنتوک^۱

کنتوک در مناطق مختلف جیرفت نسبت به کپرهای دیگر بیشتر استفاده می شود. برخلاف کهنوج، که در آن توپ بیشتر و کنتوک به ندرت مورد استفاده قرار می گیرد، در جیرفت از کنتوک استفاده بیشتری به عمل می آید. کنتوک هم کارکرد مسکونی دارد و هم از آن برای انبار مواد اضافی، نگهداری گوسفندان و ذخیره مواد غذایی استفاده می شود. کنتوک کپری است که از چوب، خشت و گل ساخته می شود. آن را زمانی که عشایر، کوچ نشینی را رها کردند، برای سکونت دائم خود ساختند. کنتوک مانند کاوار، به صورت چهارضلعی و بیشتر مستطیلی ساخته می شود. ارتفاع دیواره کنتوک به اندازه ارتفاع قد انسان است. از آن معمولاً برای اتاق مهمان استفاده می کنند.

در ماه های گرم که ۸ ماه است، مردم بیشتر در کنتوک، کاوار، آدر بند، توپ و کنتوک هایی که از چوب می سازند، زندگی می کنند، اما مسکن زمستانی آن ها خانه های خشتی است.

1. Kantowk



تصویر ۱۳) کپر (کنتوک چوبی)، روستای زاخت: ۱۳۹۴؛ کپر (کنتوک خشتی)، روستای کوشک و مور: ۱۳۹۴

گمو^۱

به صورت یک داریست تخت مانند، به ارتفاع دو تا سه متر، ساخته می‌شود. طول و عرض آن بسته به جمعیت خانواده‌ها متفاوت است، معمولاً مساحت بین شش تا دوازده متر است. اسکلت آن از چوب درختان کهور، گز و کنار است که با شاخ و برگ نخل، سطح آن را می‌پوشانند. معمولاً شب‌های تابستان روی آن پشه‌بند می‌بندند و روی آن می‌خوابند. در تابستان که هوا گرم است و سیستم خنک‌کننده‌ای وجود ندارد، استفاده می‌شود. این مسکن را برای وزش بادهای خنک تابستان می‌سازند.

آدریند^۲

آدریند گونه دیگری از کپر است که در گذشته کاربرد فراوان داشته است. آدریند، شبیه کاوار است با این تفاوت که ستون‌های چوبی را با آدور یا خارشتر می‌پوشانند. دور تا دور آن چاله‌ای را احداث و پر می‌کنند، سپس آب را از آنجا برداشته و روی خارها می‌ریزند. آدریند، عملکردی شبیه کولر دارد، بدین صورت که وقتی خارها خیس شد، باد گرم را خنک می‌کند و فضای داخل آدریند خنک می‌شود. برای اینکه در مقابل وزش باد مقاوم باشد، دو چوب را در جهت افقی و عمودی روی آن می‌بندند. دیواره آدریند را به صورت شیب‌دار درست می‌کنند که وقتی آب روی شیب آن ریخته شود، به پایین لغزیده و به بیرون ریخته شود، سقف آدریند را با سر شاخه‌های نخل به صورت شیب‌دار درست می‌کنند. امروزه به دلیل استفاده از برق و کولر، آدریند تا حد زیادی منسوخ شده است.

1. Gomov
2. Ādorbanad

مورد اخیر کاربرد موقتی دارد و در هنگام برداشت محصول، برای گریز از گرمای طاقت فرسا، از آن استفاده می‌کنند.

کتوک^۱

کتوک به نسبت کنتوک و توپ کوچک‌تر است و مانند کاوار از کپرهایی است که هم به صورت موقتی در کنار زمین‌های کشاورزی ساخته می‌شود و هم به صورت دائم در کنار خانه‌های روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرد. کارکردی کتوک، استفاده از آن به عنوان آشپزخانه و انبار وسایل است. البته به کپری که ظاهر به هم‌ریخته‌ای داشته و ساختار و ترکیب ساده‌ای داشته باشد، نیز کوتوگ می‌گویند.



تصویر ۱۴) کپر (کتوک)، روستای کوشک و مور: ۱۳۹۴

مسکن سنتی (کپر موقت)

کشاورزان استان کرمان سال‌های زیادی است که گرفتار خشک‌سالی شده‌اند. شدیدترین خشک‌سالی‌ها در استان کرمان در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۹ و ۱۳۸۶-۱۳۸۷ رخ داده است. سخت‌ترین و متداول‌ترین رویدادهای خشک‌سالی، به آخر دوره مورد بررسی محدود شده و سختی خشک‌سالی نیز در حال تشدید است (کریمی، ۱۳۹۲). خشک‌سالی همراه با دمای بالا، رطوبت ناچیز موجود در هوا و پوشش ابری اندک، موجب افزایش تبخیر آب، تعرق و کاهش آب در خاک شده است که در نهایت کاهش عملکرد تولید محصولات کشاورزی را در پی داشته است. بعد از خشک‌سالی‌های زیادی که در ده سال گذشته در مناطق مختلف کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان اتفاق افتاد، در بسیاری از مناطق دیگر که آب کافی برای کشاورزی وجود ندارد، کشاورزان به جبرفت مهاجرت کرده و کشاورزی می‌کنند. شروع کوچ‌ها از دهه هفتاد شروع شد و هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

1. Kotowk

کوچ‌هایی که به سمت زمین‌های کشاورزی صورت می‌گیرد به دو صورت است: اول، افرادی خارج از شهرستان و از شهرها و استان‌های مجاور، کوچ می‌کنند. دوم، افرادی از مناطق مختلف شهرستان جیرفت، به سمت زمین‌های کشاورزی کوچ کرده و بعد از آن به خانه‌های خود برمی‌گردند. زمان شروع این کوچ‌ها از اواخر شهریور شروع و تا اواخر خرداد ادامه دارد. این افراد فقط سه ماه از سال در خانه‌های دائمی خود حضور دارند. حتی در خود شهرستان جیرفت هم کوچ صورت می‌گیرد. کسانی که از خارج از شهر جیرفت کوچ می‌کنند، به ندرت زن و بچه به همراه دارند. اما کسانی که از مناطق مختلف شهرستان جیرفت به سمت زمین‌های کشاورزی مهاجرت می‌کنند، همراه با تمام خانواده بوده و بعد از اتمام کشاورزی به خانه‌های خود برمی‌گردند. می‌توان گفت شرایط اقتصادی و شغلی از مهم‌ترین عوامل زندگی مردم در سکونت‌گاه‌های متحرک است.

کپر‌ها برای سکونت موقت افراد ساخته می‌شوند، وسایل زیادی در درون آن‌ها وجود ندارد.



تصویر ۱۵) کپر موقت، روستای باقرآباد: ۱۳۹۴

وضعیت بهداشتی مردم در کپرهای موقت

مکانی که کارگران مهاجر به صورت موقت در آن اقامت دارند، از نظر بهداشتی در وضعیت اسفباری است. این مکان‌ها در بیشتر موارد فاقد دستشویی بوده و مردم در کنار خانه‌ها و یا زیر درختان که در فاصله کمی از خانه وجود دارد، نیازهای خود را بر طرف می‌کنند. اگر هم سرویس بهداشتی باشد به علت شکل ساخت و نزدیکی آن به خانه‌ها، منبع بسیاری از بیماری‌هاست. از نظر وضعیت استحمام هم با مشکل مواجه‌اند، این خانه‌ها یا حمام ندارند، یا در استخرهایی که در نزدیکی وجود دارد و یا در کنار خانه، چند چوب درخت خرما را در زمین قرار می‌دهند و بعد از بستن آن‌ها به یکدیگر، پلاستیکی روی آن قرار داده و با استفاده از تشت آبی استحمام می‌کنند. شکل بیشتر حمام‌های کپرنشینان در منطقه عنبر آباد، به این

صورت است. استحمام این افراد هفته یا دوهفته‌ای یکبار است. از نظر وضعیت آب آشامیدنی هم وضعیت مطلوب نیست. این خانه‌ها آب تصفیه‌شده ندارند و از چاه‌های اطراف یا رودخانه‌های فصلی، برای شرب و یا شست‌وشو استفاده می‌کنند. ساکنان زباله‌های خود را در اطراف خانه‌های خود رها می‌کنند و این باعث تجمع انواع حشرات و آلودگی محل سکونت می‌شود.

موانع فرهنگی تغییر

این سلسله از موانع طبق نظر فاستر به شرح زیر قابل بررسی‌اند.

۱. ارزش‌ها و نهادها

در بعضی از فرهنگ‌ها و برای عده‌ای از مردم هر چیز نو و تازه و هر تغییری به صرف نو و متفاوت بودن، دلخواه و پسندیده است و عده‌ای از آن استقبال می‌کنند، اما این پدیده‌های جدید نمی‌توانند براحتی جایگزین رسوم ریشه‌دار قدیمی شوند. نفوذ پدیده‌ها و رفتارهای جدید در فرهنگ‌ها، نیازمند گذشت زمان است، که این زمان گاهی چند نسل را از سر می‌گذرانند تا به انجام برسند (رفیع‌فر، ۱۳۷۵). مثل آدم‌های غریبه‌ای که بیشتر جلب توجه می‌کنند و کمتر پذیرفته می‌شوند. به نظر می‌رسد در جوامع روستایی، محافظه‌کاری و اکراه از پذیرش پدیده‌های تازه در فرهنگشان ریشه دارد. زندگی در خانه‌های کپری اگرچه به ظاهر ساده می‌نماید، ولی ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را نیز دارد. در جامعه مورد مطالعه حضور این شکل از سکونت، با وضعیت اقتصادی، شغل و فرهنگ افراد تناسب دارد. استفاده از وسایل ساده زندگی، مانند زیراندازهای دست بافت، حصیر، مشک، کناره، پشتی‌های دست بافت و ... سادگی این زندگی را نشان می‌دهد. مردم روستا از همه نظر با مردم شهر تفاوت دارند که یکی از آن‌ها مسکن است. در شهر، مردم از خانه‌هایی استفاده می‌کنند که با وضعیت درآمد و روش زندگی‌شان تناسب دارد و مردم روستا هم از مسکنی استفاده می‌کنند که با شغل، اقلیم و امکانات زندگی‌شان تناسب داشته باشد.

۲. برتر انگاشتن قوم و فرهنگ خودی

روستاییان بر این باورند که شیوه زندگی و راه و روش انجام کارها بهترین شیوه و راه و روش است. افراد روستایی شرایط زندگی خودشان را با معیار فرهنگ و ارزش‌های خود و گذشتگان‌شان می‌سنجند و ارزیابی می‌کنند و با وجود دیدن فرهنگ‌های دیگر باز هم به روش زندگی خود می‌بالند. «زمانی که در خانه کپری زندگی می‌کنیم، احساس می‌کنیم که در درون طبیعت زندگی می‌کنیم. ما برای رهایی از گرما، آدوربند درست می‌کردیم و زمانی که بر روی آن آب می‌ریزیم تا خنک شود،

احساس لذتی می‌کنیم که در جلوی باد کولر این احساس را نداریم. پیرمرد و پیرزن‌ها هنوز در جلوی کولر نمی‌خوابند و زمانی که این کار را انجام می‌دهند، بدن آن‌ها درد می‌گیرد. این افراد معمولاً شب‌ها، در هوای آزاد بیرون خانه و یا در کپر می‌خوابند» (مولد. ع ۵۳ ساله). «زمانی که باران نم‌م می‌بارد، دوست دارم درون کپر باشم. شنیدن صدای باران زمانی که به چوب‌ها برخورد می‌کند، چنان لذتی دارد که در هیچ خانه‌ای، یافت نمی‌شود» (سمیرا. خ ۲۸ ساله).

۳. غرور، حرمت، شأن و مقام

مردم‌شناسان ضمن تحقیقات خود دریافته‌اند که انسان‌ها در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، رفتارهای شخصی و روش زندگی خود را دوست دارند و به آن مباهات می‌ورزند. این همان برترانگاشتن قوم و قبیله و فرهنگ خود است که در مردم‌شناسی به آن قوم‌مداری می‌گویند.

طبق نظر یکی از اهالی روستا «همه افراد روستا بر اساس تجربه‌ای که از گذشته داشته‌اند، خودشان مهارت درست کردن کپر را به صورت تجربی دارند. کپر خانه‌ای است که ما از زمان بچگی در آن بزرگ شده‌ایم، در زمان گذشته که عشایر بودیم و از جایی به جای دیگر در حال کوچ بودیم، کپر ساخته‌ایم. در نتیجه ما نیاز نداریم کسی برایمان خانه درست کند و برای ساخت خانه به او دستمزدی بپردازیم. ما کپر را با همکاری یکدیگر بنا می‌کنیم، چون ساخت سقف آن و چوب‌بندی دیواره آن به‌تنهایی انجام نمی‌شود. برای ساخت هر کپر به طور تقریبی ۲ تا ۴ نفر مرد احتیاج است؛ اما تعداد نفرات بستگی به نوع کپر دارد. برای ساخت کتوک، آدوربند، گمو و حتی کاوار، افراد خودشان به‌تنهایی آن را بنا می‌کنند و احتیاج به کس دیگر ندارند، اما برای ساخت توپ و کتوک، فرد به‌تنهایی نمی‌تواند و باید افراد دیگر به او کمک کنند» (پنجعلی. م ۵۲ ساله).

۴. هنجارهای شرم و حیا

در تمام جوامع، معیار و اندازه‌ای مناسب برای فروتنی و محترم شمردن شأن و مقام از طریق فرهنگ جامعه تعریف می‌شود و در ذهن افراد جای می‌گیرد و به همین دلیل این حد و حدود در هر جامعه با جوامع دیگر تفاوت دارد. رفتار شایسته و مناسب در هر جامعه ممکن است در جامعه دیگر زشت و ناپسند به شمار آید. با این حال هیچ فرهنگی نیست که مفهوم شرم و حیا در آن وجود نداشته باشد و بعضی اوقات این مفاهیم با چگونگی رفتار و نوع ارتباط افراد در یک سکونتگاه نیز بستگی و ارتباط دارد.

«خانه‌های جدید کوچک هستند و در درون آن‌ها پذیرایی و آشپزخانه در یکجا صورت می‌گیرد. زنان در آشپزخانه که با یک تیغه کوچک از پذیرایی جدا شده است، آشپزی می‌کنند و در برابر مهمانان غریبه‌ای که وارد خانه می‌شوند، راحت نیستند. این در تناقض با ارزش‌ها و اعتقاداتی است که ما داریم. در فرهنگ ناپستی زنان در مقابل افراد غریبه در مکانی یکجا قرار بگیرند. ما باید برای این کار، خانه‌های دیگری را در کنار خانه خود درست کنیم که زنان در خانه مجزا قرار بگیرند؛ اما برای ساخت آن‌ها هزینه زیادی دارد، پول نداریم. یا باید به همین شیوه زندگی کنیم و یا کبری در کنار خانه خود بسازیم تا آشپزی در درون آن انجام شود» (اردلان. ت ۳۷ ساله).

۵. ارزش‌های نسبی

معمولاً متخصصانی که برای کمک‌های فنی به مناطق دورافتاده می‌روند، بر این باورند که آنها روش زندگی ساده‌ای دارند و می‌شود آنها را تغییر داد، اما اگر با عدم پذیرش مردم روبرو شوند آنها را نادان و بی‌لیاقت فرض می‌کنند. واقعیت این است مردم حرف آنها را می‌فهمند، اما ارزش کار آنها را با توجه به روش زندگی خودشان قابل قبول نمی‌دانند.

«از آنجایی که در منطقه مورد مطالعه، شغل اصلی مردم کشاورزی و دامداری است. افراد متناسب با شغل خود، مجبورند چندین بار در سال از مکانی به مکان دیگر جابجا شوند و در تناسب با این نوع زندگی، بهترین مسکن، مسکن سنتی است که به راحتی ساخته می‌شود. خشک‌سالی‌هایی که اتفاق افتاد، علت مهاجرت زیادی از مردم به مکان‌های دیگر شد، افراد خانه‌ها را ترک کرده و به محل کشاورزی خود کوچ می‌کنند، فقط فصولی را که کشاورزی نمی‌کنند، در خانه‌ها به سر می‌برند. افرادی که دامداری می‌کنند، به کپر احتیاج دارند، زیرا برای دسترسی به مراتع طبیعی و تأمین علف ناچارند که کوچ کنند. تنها مسکنی که می‌تواند چند ماه نیاز این افراد را تأمین کند، نوعی از انواع کپر است که آن را برای اقامت چند ماه بنا کرده و زمان برگشت به خانه، آن را تخریب می‌کنند. زمان ساخت کپر کشاورزان، زمان شروع کشاورزی یعنی مهرماه است، حداقل امکانات را در داخل آن می‌گذارند و تا اردیبهشت و خرداد که پایان فصل کشاورزی است، آنجا اقامت می‌گزینند. همه افراد به سمت زمین‌های کشاورزی نمی‌روند، معمولاً تقسیم کار صورت می‌گیرد، بعضی اوقات، مرد در خانه می‌ماند و به امور باغداری و دام‌ها می‌پردازد و زن و فرزندانش به سمت زمین‌های کشاورزی می‌روند و تا پایان برداشت محصولات در آنجا می‌مانند. افراد تمام طول روز را در زمین‌های کشاورزی می‌گذرانند و فقط یک ساعت در ظهر و چند ساعتی را در شب درون کپرها استراحت می‌کنند. حتی غذای خود را در کنار زمین کشاورزی صرف می‌کنند» (شاه محمد، ش ۵۶ ساله).

موانع اجتماعی تغییر:

همبستگی و وحدت گروهی

در جوامع ساده روستایی، وابستگی و پابندی مردم به شکل آرمانی روابط اجتماعی چشمگیر است. این ویژگی در احساس شدید، تعهد متقابل اعضای خانواده و دوستان به هم، علاقه آنها به حفظ وحدت گروهی و انتقاد و مخالفت با رفتارها و گفتارهایی که بر خلاف هنجارهای گروه است، تجلی پیدا می‌کند.

وحدت و انسجام در جوامع با ساختار قبیله‌ای، برای ایجاد امنیت خاطر بیشتر و کمک به یکدیگر است، همچنین در موارد لازم باعث تشدید نیاز به احساس تعلق و حفظ همبستگی در بین آنهاست. وابستگی و ارتباط افراد با خویشاوندان می‌تواند به این احساس شدت بیشتری ببخشد. نوآوری‌هایی که همبستگی‌های آنها را به مخاطره می‌اندازد، معمولاً با مخالفت شدید روبرو می‌شود و چنانچه همبستگی به وجود نیاید، این طرح‌ها نمی‌تواند کارساز باشد.

در مواردی حتی برای حفظ این همبستگی حاضرند از بعضی پدیده‌های دلپذیر زندگی و سود اقتصادی هم صرف نظر کنند (ج. فاستر، ۱۳۷۹)

در این روستاها افراد خانه‌های کپری خود را معمولاً در محدوده قلمرو طایفه خود بنا می‌کنند. این زمین‌ها اکثراً سند ندارند و هر طایفه‌ای در مکان معینی از روستا مستقر شده است. خانه‌ها همه نزدیک به هم ساخته شده است و همه ساکنان فامیل‌اند. فرزندان هم که ازدواج می‌کنند در کنار آن‌ها کپری را می‌سازند و زندگی خود را شروع می‌کنند. بعد از ظهرها همه فامیل کنار هم هستند، زن‌ها کنار هم در تنور نان می‌پزند و شب‌ها فامیل به دور یکدیگر جمع می‌شوند.

با وجود همجواری خانوارها و رابطه خویشاوندی، آنها الزاماً یک واحد جمعی تولیدی را تشکیل نمی‌دهند و هر خانوار مالک مسکن، زمین کشاورزی و باغ خود محسوب می‌شود. اگرچه مناسبات همکاری میان آن‌ها وجود دارد، همانند کمک کردن به یکدیگر برای ساخت کپر، کمک کردن در مواقعی که جشن عروسی یا مراسم ختم دارند، اما شریک کار و سرمایه یکدیگر نیستند.

«زمانی که افراد در خانه‌های کپری در کنار فامیل زندگی می‌کردند، طایفه آن‌ها به هم نزدیک بود و آن‌ها هنوز مقید به پابندی به سنت‌های طایفه خود بودند. یکی از سنت‌هایی که در میان مردم وجود داشت، گرایش به ازدواج فامیلی بود. ازدواج فامیلی بیشتر در میان دختر عمو و پسر عمو رواج داشت. زمانی که خواستگار غریبه‌ای برای دختر می‌آمد، همه طایفه باید بر روی اصل و نسب آن فرد نظر می‌دادند. اگر آن فرد از طایفه‌هایی که در روستا به سیاه معروف‌اند، بود یا با یکی از سیاه‌ها وصلت کرده بود، به شدت با ازدواج او مخالفت می‌شد و حتی برای خواستگاری هم آن‌ها را به خانه راه نمی‌دادند. هر ازدواجی می‌بایست با مشورت ریش‌سفیدان طایفه صورت بگیرد. الآن هم که با ساخت خانه‌های جدید مردم تا حدودی از هم فاصله گرفته‌اند، آن سنت‌ها هست، اما تا حدودی کمرنگ شده است» (زهرار، ر ۳۹ ساله).

در خانه‌های کپری به دلیل نبود فضاهای اختصاصی محصورشده توسط دیوار و حیاط اختصاصی ساکنان هر خانه با کنار هم نشستن به دور آتش و با نقل خاطرات و قصه برای یکدیگر، سرگرم می‌شوند و این ارتباط مستمر و نزدیک باعث صمیمیت و ایجاد ارتباط هر چه نزدیک‌تر در بین آن‌ها می‌شود. «خانه‌های کپری امنیت دارند چون تقریباً همه ساکنان این خانه‌ها با یکدیگر نسبت خویشاوندی دارند. زمانی که اهالی خانه نباشند و خانه خالی است، افراد فامیل از خانه آن‌ها، محافظت می‌کنند. زمانی که مرد خانه نباشد، خیالش راحت است که مردان دیگر فامیل از زن و فرزندان نگاهداری می‌کنند، حتی خانواده‌ها خیالشان راحت است که دخترانشان با افراد فامیل رفت و آمد می‌کنند و با افراد غریبه، تماسی ندارند» (روح‌اله، ح ۳۵ ساله). به گفته یکی دیگر از اهالی «زمانی که خانه‌های جدید درست نشده بودند، همه خانواده ما در کنار هم زندگی می‌کردند. خواهران و برادرانم که ازدواج کرده بودند، در کنار ما کپری برای خود درست کرده بودند. ما تمام وقتمان را با هم و در خانه یکدیگر می‌گذرانیدیم؛ اما اکنون که خانه‌ها بنا

شدند، خواهرانم در مردهک زمین خریدند و آنجا خانه خود را درست کردند و ما از هم دور شدیم (زینب. ع ۴۸ ساله).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات نشان داده است مسکن روستایی، مسکنی چندوجهی است که مفاهیمی مانند شیوه زیست، فرهنگ، هویت و پایگاه اجتماعی ساکنانش را دربرمی‌گیرد. بدین‌سان مشخص شد که مسکن، نه صرفاً برای اشتغال و محل سکونت، بلکه حاصل هردوی آنهاست. از طرفی مسکن روستایی قرارگاهی است که هر یک از اجزا و عناصر آن با ساخت و کارکرد معین، کلیت یکپارچه‌ای را شکل می‌دهند؛ کلیتی که نتیجه تعامل عوامل طبیعی، اقتصادی، خویشاوندی، سبک زندگی، باورها، ارزش‌ها و... در جامعه روستایی است. در حقیقت الگوی مسکن روستایی حاصل تجارب درازمدت است که با کلیه عناصر دیگر فرهنگ روستایی در سازگاری کامل است. لذا هر نوع تغییری در آن می‌تواند باعث تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه شود. تعامل فرهنگ و تکنولوژی، اقتصاد، اقلیم، باورها و... در ساخت این خانه‌های ساده به وضوح دیده می‌شود.

شاخص مزایا و معایب اقتصادی خانه‌های کپری:

داده‌های تحقیق نشان دادند که کپرنشینی مزیت اقتصادی ارزان بودن، زمان کوتاه برای ساخت، استفاده از تکنولوژی و مصالح بومی، همسطح بودن، امکان احداث در نزدیکی محل کار، ضد زلزله بودن، عدم نیاز به خرید زمین و دریافت وام مسکن را داراست. در عین حال معایبی چون آتش‌سوزی را نیز در پی خواهد داشت. درحالی‌که برای احداث خانه‌های جدید هیچ‌یک از مزایای فوق وجود ندارد. تنها امتیاز آن در مقایسه با کپرها شکل‌تر بودن و امنیت بیشتر در مقابل آتش‌سوزی است؛ اما معایب آن هم از نظر روستاییان کم نبودند: کوچک بودن، تجمل‌گرایی، هزینه‌بر بودن، بدهکارشدن به دلیل دریافت وام، نیمه‌کاره ماندن، نیاز به زمان ساخت طولانی، دور بودن از محل کار، کاهش فعالیت‌های اقتصادی زنان، نیاز به مصالح و تکنولوژی غیر بومی و... است. از طرف دیگر مسکن جدید یک کالای اقتصادی محسوب می‌شود، زیرا اقتصاد خانوار روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانوارهای روستایی باید برای در اختیار داشتن زمین، ساخت و تعمیر، مصالح، خرید وسایل خانگی و پرداخت اقساط ماهیانه وام مسکن، خدمات رفاهی و... پول پرداخت کنند. این هزینه‌ها از مشکلات اساسی روستاییان است که باعث شده تمایل آن‌ها برای زندگی در خانه‌های کپری بیشتر شود.

در حقیقت مسکن جدید روستایی نقش مهمی در وابستگی به شهر دارد. در روابط اقتصادی شهر و روستا بی‌تأثیر نبوده و جریان پول را از روستا به شهر سرازیر کرده است. فرد روستایی با زندگی در مسکن جدید از هر لحاظ وابسته به شهر است، در حالی که با زندگی در مسکن سنتی چنین نیست. هدف دولت از ساخت مسکن جدید مبارزه با فقر بود که به نظر نمی‌رسد با اجرای این طرح، به این هدف رسیده باشد، زیرا روستاییان با خانه‌های کوچک قادر به انجام امور روزمره خود نیستند، با مسکن جدید تنها مکان زندگی افراد عوض می‌شود. محرومیت افراد با زندگی در خانه‌های جدید عملاً از بین نمی‌رود. فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و فقر خدماتی از جمله مشکلات درمانی، نبود زیرساخت‌های مناسب برای کشاورزان و عدم امکانات لازم برای فروش به موقع محصولات، علت اصلی فقر است. به همین دلیل است که با وجود ساخت خانه، اغلب روستاییان همچنان زندگی در کپر را رها نکرده‌اند.

بر حسب یافته‌های تحقیق مزایای دیگر کپرنشینی، نسبت سازگاری آن با اقلیم منطقه است. خنک بودن در تابستان، تهویه هوا، گردش جریان هوا و طبیعی بودن از مزایای این نوع مسکن است. در حالی که خانه‌های جدید از مزایای گرمایش زمستان، آسیب‌پذیری کمتر و امنیت بیشتر در مقابل خزندگان، طوفان، خیس شدن خانه در باران و ... برخوردارند. استفاده از کولر گازی برای خنک کردن، بخاری و چراغ نفتی برای گرم کردن خانه، باعث شده است که خانه‌های جدید به انرژی زیادی نیاز داشته باشند که هزینه پرداخت و تهیه آن برای اکثر اهالی سنگین است. در حالی که مردم منطقه، کپر را با خار خانه و یا کولر آبی خنک و با کدوم گرم نگه می‌دارند. مراجعه ساکنان به کپر، در فصل گرما، از ناکارآمدی این طرح و غیر کارشناسی بودن آن حکایت دارد. وقتی به مشاهده زندگی مردم روستا پرداختیم، به این نتیجه رسیدیم، بعدها در پرسش‌نامه‌هایی که اهالی پر کردند و مصاحبه‌های پرتعدادمان این نتیجه‌گیری برایمان به اثبات رسید، که مردم تمام طول سال زندگی‌شان را تقریباً در خانه‌های کپری می‌گذرانند. از مهرماه تا اردیبهشت که زمان کاشت و برداشت محصول است، کپر در کنار زمین میزبان اصلی اهالیست و از اردیبهشت تا مهرماه که افراد در سکونتگاه‌های دائم خود بسر می‌برند باز برای رهایی از گرما، کپر میزبان اصلی است.

در چنین شرایطی آیا می‌توان با ساخت خانه‌های جدید با مساحت کم (۱۷ تا ۲۰ متر مربع) از پایان کپرنشینی سخن گفت؟ سخن آخر اینکه حذف یا ایجاد تغییرات بنیادی در این نوع سکونتگاه به تغییر در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیاز دارد. ایجاد هر گونه

تغییری در کوتاه مدت بدون انجام مطالعات تکمیلی توصیه نمی شود، زیرا نتیجه آن می تواند به فروپاشی و در نهایت مهاجرت به شهرها منجر شود که خود آغاز بحران دیگری است.

منابع

- جاناب الهی، محمد سعید (۱۳۷۵). مسکن سنتی بلوچ. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ش ۴۳.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۷۴). تحول الگوی مسکن روستایی و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن. مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- رضایی استخری، ناصر (۱۳۸۴). بررسی مردم نگاری روستای سرتک در کهنوج با تکیه بر خوراک و پوشاک و مسکن. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جلال الدین رفیع فر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۷۵). آنتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی. نامه پژوهش، شماره اول، سال اول تابستان ۱۳۷۵ (صص ۵۷-۶۸)
- سرتیپی، محسن (۱۳۹۰). پدیدار شناسی مسکن روستایی، نشریه مسکن و محیط روستا، ش ۱۴.
- سرتیپی، محسن (۱۳۸۸). آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب. تهران، انتشارات شهیدی
- فاستر. ج (۱۳۷۹). جوامع سنتی و تغییرات فنی. ترجمه: سید مهدی ثریا. ناشر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران چاپ اول
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی، تهران، چاپ پنجم.
- قدیری معصوم، مجتبی. حجتی پور، محمد. روستا، محمد امین (۱۳۹۳). آسیب شناسی الگوی جدید مسکن روستایی از منظر توسعه پایدار (مورد: دهستان شوسف نهبندان). برنامه ریزی فضایی، ش ۱۴، ص ۱-۱۴
- کریمی، زهرا، کریمی، صادق (۱۳۹۲). پایش و ارزیابی خشک سالی های استان کرمان با شاخص های خشک سالی هواشناسی. کنفرانس ملی آب و هواشناسی.
- کلاتری، خلیل، خواجه شاه کوهی، علیرضا (۱۳۸۱). بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۳۷.
- مهدیان عزیز اله و سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۱). مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم انداز آتی. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۰، ص ۳-۱۲
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین. انتشارات امیرکبیر، تهران، جلد سوم.